

روایت‌های عجیب برخی نمایندگان به کلیت اعتبار مجلس آسیب وارد می‌کند

گرفتار فیک‌نیوز و خواب

ادامه از صفحه یک

■ **عصارة فضائل ملت در خواب وشهود شخصی!**

روز گذشته یورونیوز فارسی خبری منتشر کرده با این محتوا که «یک نماینده مجلس: آقا صادق می گوید جنگ با اسرائیل قطعی است و به ورود ایرانی‌ها به اورشلیم منجر می‌شود.» شاید اوبی که خبر را می‌خواند، با خودش تصور کند آقا صادق یکی از مسئولان نظامی یا امنیتی کشور است و اگر این‌گونه نباشد، لابد یکی از مقامات سیاسی است وگرنه از کجا زمان جنگ ایران و رژیم صهیونیستی و حتی نتیجه آن را بدانند؟ نماینده مجلس هم که قرار نیست از «هر کسی» در موضوعی به این مهمی نقل‌قول کند. نکته اما این است که آقا صادق، نام مستعار یک شهروند عادی است که دنیای پس از مرگ را تجربه کرده و مستندی صوتی از مشاهدات او در فضای مجازی منتشر شده و بعضاً مورد تحلیل استادان دین قرار گرفته، اما آیا کلام او در حوزه سیاسی و یا پیش‌بینی آینده تحولات نظامی و سیاسی می‌تواند قدر موضع‌گیری یک نماینده مجلس مستند باشد؟

محمد منان رئیس، نماینده قم در مجلس روز گذشته متنی در کانال شخصی خود منتشر کرد که حاصل دیدار و گفت‌وگوی او با همین «آقا صادق» بود. منان رئیس در ابتدای متن می‌نویسد که «اوضاع‌واحوال کشور چنان نگران‌گر کرده بود که لازم دانستم با ایشان بنشینم و پرسیدنی‌هایم را بررسم تا ببینم که ایشان درباره اوضاع‌واحوال این روزها، چه دیده است.»

و همین عبارات، آغاز انحراف است. نماینده‌ای که مردم به مجلس فرستاده‌اند تا حسب عقل و مصلحت و اصول دین و انقلاب اسلامی، برای این ملت و این کشور کار قانون‌گذاری انجام دهد

پیشنهاد‌های ظریف در فارن‌افرز با واقعیت‌ها چقدر نسبت دارد؟

ایده‌ای برای سال ۲۰۱۳

ادامه از صفحه یک

محمدجواد ظریف، همین نسخه را در مورد روابط ایران با نظارت‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز می‌پیچد و مدعی است، شفافیت با آژانس باید به توقف انتشار روایت‌های امنیتی‌ساز بی‌اساس درباره ایران و تسهیل یک توافق سیاسی با آمریکا، بینجامد. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که حتی یک دانشجوی کارشناسی روابط بین‌الملل که شناخت کمی نسبت به ساختارهای فعلی حاکم بر نهادهای بین‌المللی دارد، به این موضوع واقف است که همکاری با آژانس حتی اگر از حالت تعلیق دربیاید نیز نمی‌تواند زمینه‌ساز توافق ایران و آمریکا باشد. این مسیر بسیار دور از دسترس‌تر از آن است که با یک شفافیت ساده بتوان انتظار داشت مشکل حل شود.

■ **نسخه‌پیچی در سال ۲۰۲۵ یا ۲۰۱۳؟**

عقب‌گرد ظریف به برجام و نسخه‌پیچی روابط میان ایران و آمریکا از عینک برجام، اثبات می‌کند که او تحولات میان ایران و آمریکا را نه بر مبنای واقعیات موجود که براساس شرایط ایران ۲۰۱۳ تحلیل می‌کند. همین خطای دید موجب می‌شود که نسخه‌پیچی‌های او در عرصه بین‌المللی دچار مانتیک‌گرایسی افراطی و رؤیازدگی ساختاری شود. نکته مهم‌تر آنکه بخشی از موضوعاتی که وزیر پیشین به آن اشاره می‌کند بیش از آنکه مخاطبی در رسانه‌های بین‌المللی داشته باشد کارکردی برای فضای داخلی ایران دارد و این سؤال را ایجاد می‌کند که ضرورت پرداخت به مسائلی که پیوندی با انسجام و همبستگی اجتماعی دارند در فضای رسانه‌ای بین‌المللی چیست؟

■ **یادداشت‌هایی بر همان مدار خطا**

از زمان اوج گرفتن منازعات میان ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی تا شروع حمله آمریکا به ایران، محمدجواد ظریف تقریباً سه یادداشت در رسانه‌های بین‌المللی منتشر کرده است. پیشنهاد «طرح مناره» را در روزنامه گاردین پیش از شروع جنگ و مقاله «بارادامیم فرصت و امکان» را پس از جنگ در روزنامه فارن پالیسی منتشر کرد. وجه اشتراک این یادداشت‌ها اصرار بر «حل و فصل» اختلافات با آمریکا و رسیدن به یک «طرح توافق» با آمریکا بود. ایراد مشترک همه این یادداشت‌ها نیز این بود که ظریف، آمریکا و مواجهه‌اش با ایران را نه بر مبنای آنچه واقعاً هست، بلکه بر مبنای ایدئال‌هایش روایت می‌کرد که در تحلیل ساختارهای روابط بین‌الملل به نحله فکری ایدئالیست‌ها نزدیک بود. یادداشت جدیدی هم که در روزنامه فارن افرز منتشر کرده از این اشتباه جبری نمانده است. ظریف این بار پیشنهاد مذاکره و حل و فصل اختلاف میان ایران و آمریکا را در شرایطی مطرح می‌کند که آمریکا رسماً به خاک ایران تجاوز کرده، صراحتاً اعلام کرده با موجودیت ایران مشکل دارد و مذاکره را تنها برای تسلیم نهایی ایران مطرح کرده است.

■ **رؤیایی دور از دسترس**

ظریف در یادداشتی که روز دوشنبه در فارن افرز منتشر کرده، حل چالش‌های میان ایران و آمریکا را برای شکستن چرخه امنیتی‌سازی، ضروری دانسته و نوشته «تهران باید امکان از سرگیری گفت‌وگوی مستقیم با واشنگتن بر پایه برابری را مدنظر قرار دهد» و تحقق آن را با پذیرش «اختلاف در عین اختلاف» و حل و فصل اختلافات «از طریق بده‌بستان» حل کنند. این پیشنهاد حاوی چند خطای راهبردی است. با فرض شروع گفت‌وگوهای مستقیم، روابط میان ایران و آمریکا تنها در شرایطی محقق خواهد شد که طرف آمریکایی بتواند امتیازی از ایران بگیرد. از آنجا که انگاره طرف مقابل این است که در جنگ مستقیم توانسته ضرباتی به ایران وارد کند، براین اساس میز مذاکره را نه میز برای گرفتن دادن امتیاز که تنها برای تسلیم نهایی ایران می‌بیند و هر تصویری

و نماینده عقلانیت انقلابی باشد، وقتی برای اوضاع کشور خیلی نگران می‌شود، به جای آنکه در حد جایگاهی که بر آن نشسته، کار انجام دهد، از تکالیف و اختیارات قانونی بهره‌برد و دنبال حل مشکل برود، لازم می‌بیند تا با کسی که گویی از آن دنیا خبرهای غیبی می‌دهد، دیدار کند!

تأکید علمای دین، همواره بر این بوده که خواب، رؤیا، شهودات شخصی در حالات کما و اغما و امثال این موارد، هیچ سندیتی ندارند و نمی‌توانند حجت قرار بگیرد. آنچه هم که در برنامه «زندگی پس از زندگی» در مورد مشاهدات چنین افرادی بیان می‌شود، خارج از آنچه که در قرآن و روایات آمده، نیست؛ و البته پیش‌بینی آینده هم ندارد.

منان رئیس در ادامه، آنچه را که آقا صادق از آینده جهان و انقلاب و آقا و تکلیف ما و... گفته نقل می‌کند که هم نگرانی مردم را دامن می‌زند و هم آمیخته‌ای از سخنان عادی و یا توصیه به مردم برای ماندن بر مسیر حق است که طبعاً اگر قرار به پذیرش این توصیه‌هاست، خود اسام و آقا نسخه اصلی‌اش را از روی آموزه‌های انقلابی دین به مردم گفته‌اند و نیازی به مراجعه به چنین افرادی نیست.

■ **فیک‌نیوز برنجی از تربیون مجلس!**

در روزهای گذشته اتفاق عجیب دیگری هم در مجلس افتاد. یک نماینده مجلس حین تظنقی از تربیون مجلس، مدعی شد که «در بندر شهید رجایی دارند تن تن برنج را در دریا می‌ریزند، اما مردم برنج ندارند.»

خبر البته همان‌طور که قابل حدس بود، تکذیب شد و نماینده مجلس هم در سکوت و بدون اصلاحیه و عذرخواهی موضوع را گذراند. اما چرا یک نماینده مجلس باید بدون دیدن مستندی

خارج از آن مذاکره را برای او بلا موضوع می‌کند. همه این موارد در شرایطی است که طرف آمریکایی اساساً برای مذاکره و دیپلماسی فصلی تعریف نکرده و صلح را از طریق قدرت دیگری می‌کند. براین مینا حفظ روابط با مذاکره آن هم با توقف گفت‌وگوی برابر، رؤیایی دور از دسترس است.

■ **کدام تضمین؟ کدام تعهد؟**

ظریف در بخش دیگری از یادداشت به این موضوع اشاره می‌کند که ایران می‌تواند در برابر تضمین متقابل آمریکا و متحدانش، تعهد دهد که به ایالات متحده یا متحدانش در منطقه حمله نکند. طرح این موضوع نیز بدون در نظر گرفتن ظرف‌ها و حساسیت‌ها در روابط بین‌الملل مطرح شده است. شروع تجاوز و جنگ علیه ایران از جانب رژیم صهیونیستی و پس از آن آمریکا اتفاق افتاد و روشن است که ایران شروع‌کننده جنگ نبود؛ اما در مقابل حملات نیز سکوت نکرد و به آنان پاسخ داد. ظریف اما با فرض امنیتی‌زدایی از نگاه به ایران در صحنه بین‌المللی، به‌گونه‌ای این موضوع را طرح می‌کند که گویی ایران شروع‌کننده تجاوزها بوده است. او تلو یحاً این موضوع را پذیرفته و گام اول برای کنترل تنش‌ها و امنیتی‌زدایی از ایران را روی دوش ایران می‌اندازد. علاوه‌برآن اشاره ظریف به دادن تضمین به چه معناست؟ از زمان امضای توافق برجام تاکنون، در چه برهه‌ای آمریکا تضمینی برای اجرای توافقاتش داده که اکنون و در شرایط تشدید تنش‌ها، این فرض قابل طرح باشد که آمریکا حاضر است به ایران تضمین دهد؟

■ **برجام به‌روز شده بعد از جنگ؟**

ظریف در بخشی دیگر از یادداشتش ضمن اشاره به این موضوع که ایران باید به سمت تقویت روابط با همسایگان از جمله کشورهای چین و روسیه برود، می‌نویسد «ایران می‌تواند از بهبود روابط با اروپا و مدیریت اختلافات با آمریکا، سود ببرد و در ادامه با تأکید بر لزوم برقراری روابط میان ایران و آمریکا به این موضوع اشاره می‌کند که اگر تهران و واشنگتن بتوانند به توافق هسته‌ای به‌روز شده‌ای دست پیدا کنند ممکن است بتوانند به سایر مسائل دشوار نیز بپردازند، از جمله امنیت منطقه‌ای، کنترل تسلیحات و مقابله با تروریسم.» منظور از امضای توافق هسته‌ای به‌روز شده، توافقی مشابه برجام است. این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که ایران در موقعیت کنونی حتی به امکان گفت‌وگو و قرار گرفتن با آمریکا دور یک میز نیز نزدیک نیست چه رسد به آنکه به قالب توافق به‌روز شده‌ای از برجام با آمریکا برسد، آن هم در موقعیتی که طرف آمریکایی اساساً نیازی به امضای توافق نمی‌بیند. سال ۲۰۱۳ و هم‌زمان با امضای توافق برجام، طرف آمریکایی به این نتیجه رسیده بود که جز استفاده از دیپلماسی گزینه دیگری برای کنترل برنامه هسته‌ای ایران ندارد، حالا اما ترامپ با پیش‌فرض تحقق صلح از طریق قدرت و انگاره ایران ضعیف شده، حتی توافقات را نیز دستاویزی برای اعمال قدرت خود می‌داند. ظریف این پیشنهاد را با فرض عبور از وضعیت نه صلح نه جنگ ارائه می‌دهد؛ اما پیشنهاد ارائه شده، نه‌تنها ایران را از وضعیت جنگ عبور نمی‌دهد و به صلح نزدیک نمی‌کند، بلکه به سمت تسلیم نیز می‌برد.

■ **مخاطب یادداشتش چه کسانی هستند؟**

خطای کلیدی که در بخش قابل توجهی از

از یک حرف، مثلاً عکس یا فیلم معتبر و یا خبر منبع موثق، چنین موضوعی را که به یقین اذهان عمومی را دچار تشویش می‌کند، این‌گونه با یقین بیان کند و بعد هم عذری نخواهد و اصلاحی نکند؟

خبر ریختن برنج در آب را اکانت‌های جعلی با تصاویر ساختگی منتشر کردند. سلمان اسحاقی، نماینده قاننات در مجلس هم به‌جای تحقیق در مورد آن‌ها که کذبشان برای هر کسی که کمی با رسانه و سیاست آشنا باشد، روشن است، فریب فیک‌نیوزها را خورد و دروغ را در مجلس فریاد زد!

هفته گذشته هم امیرحسین ثابّی نماینده تهران در مجلس، آماری چندبرابری از میزان زندانیان مهریه بیان کرد که با واکشن رسانه قوه قضائیه روبه‌رو شد و معلوم شد کل زندانیان مالی هم آمارشان در این حد نیست، چه رسد به صرفاً زندانیان مهریه. در اصلاحیه هم آمار درست و دقیقی منتشر نکرد. مهم اما این بود که همین آمار غلط مبنای رأی ثابّی در مجلس پیرامون قانون جدید مهریه قرار گرفته بود و حتی اگر خبر به‌درستی اصلاح می‌شد هم باز آن رأی قابل برگشت نبود.

■ **خدشه بر اعتبار مجلس**

ازاین‌دست موارد تکذیبی پیرامون تظن‌های مجلس زیاد شده و این تکذیبیه‌ها نه فقط آن خبرها را رد می‌کند، بلکه هر تکذیبیه و هر قول سبک و بدون استدلال یک نماینده، خطی بر اعتبار کل مجلس می‌اندازد. از سویی تکذیبیه‌ها همیشه قدر خبر اشتباهی که اول منتشر شده، دیده نمی‌شود و خاطره یک خبر نادرست و تبعات آن گاه تا سال‌ها در ذهن مخاطب می‌ماند. حال به سؤال اول بازگردیم؛ با نماینگانی که مستدل و مستند سخن نمی‌گویند، چه باید کرد؟

یادداشت به چشم می‌خورد، اشاره محمدجواد ظریف به بخشی از موضوعاتی است که بیش از آنکه بین‌المللی باشد، به سیاست داخلی ایران مرتبط است. در بخشی از یادداشت آمده «تهران باید درک کند که قدرتش می‌تواند دیگران را نگران کند، از این رو باید از روایت ایران قوی که می‌تواند یک‌جانبه و تهدیدآمیز، تلقی شود به سمت روایت منطقه قوی چرخش کند.» در بخشی دیگر با تأکید بر این موضوع که ایران می‌تواند چرخه امنیتی‌سازی را بشکند، می‌نویسد «تهران می‌تواند گام‌هایی برای تمکک به شکستن این چرخه معیوب بردارد. این کار می‌تواند با تقویت حمایت داخلی از طریق اصلاحات اقتصادی آغاز شود، اصلاحاتی که موضع ایران را در مذاکرات بین‌المللی قوی‌تر می‌کند.» نکته اول آنکه ظریف به‌طور کلی در یادداشت و در این موضوع خاص، جامعه هدفش را مشخص نمی‌کند. اشاره به آنکه باید برای اصلاحات اقتصادی قدم برداشت، بیش از آنکه به کار مخاطب بین‌المللی بیاید، برای رسانه‌های داخلی کارکرد دارد.

نکته دیگری که ظریف به آن اشاره می‌کند این است که ایران به جای ایستادن روی روایت ایران قوی می‌بایست به سمت ارائه روایتی از منطقه قوی برود. جدای از آنکه تصویر ایران قوی در کنار منطقه قوی، منافاتی با یکدیگر ندارند و تقویت هرکدام دیگری را نفی نمی‌کند، نکته اساسی آن است که پرداختن به این موضوع درحالی‌که هدف اصلی یادداشت تهدیدزدایی از تصویر ایران است، موضوعیتی دارد؟

■ **از تکرار تجربه‌های شکست‌خورده فاصله بگیرد**

ممارست محمدجواد ظریف برای کنش رسانه‌ای در فضای بین‌المللی در نوع خود اقدامی مثبت به شمار می‌رود؛ اما اصل اساسی در کنش رسانه‌ای در مطبوعات بین‌المللی آن است که شناخت درستی از جامعه هدف و مخاطبانی که آن را می‌خوانند، وجود داشته باشد و طرح ایده‌ها و پیشنهادهای صلح بتواند بیشترین اثر را در مخاطب هدف داشته باشد. فارغ از آنکه چقدر یادداشت جدید ظریف این گزاره را رعایت کرده، خطای تکراری که ناشی از نگاه «ساده‌انگانه» ظریف به صحنه بین‌المللی است، آن است که به نظر می‌رسد وزیر پیشین درک دقیقی از شدت تنش‌های موجود میان ایران و آمریکا ندارد و تصور می‌کند یا ارائه راه‌حل‌های ساده‌انگارانه یا پیچیدن نسخه‌های برجامی، این تنش را مدیریت کرد.



دربارهٔ یک نزاع فیک میان

چند جریان اصولگرا قبل از انتخابات شورا

مشارکت انتخاباتی دغدغهٔ

آخرگروه‌های سیاسی

ادامه از صفحه یک

در چنین فضایی افرادی که در شورای شهر عضو بوده یا مسئولیت‌هایی در شهرداری دارند باید بار بیشتری بر دوش خود حس کنند و با تلاش برای افزایش کارآمدی، مردم را به خروجی این انتخابات امیدوار کنند؛ اما نه‌تنها چنین دلیلهایی وجود ندارد، بلکه هرچه بیشتر به‌روزهای انتخابات نزدیک می‌شود تقابل‌های سیاسی تخریب‌محور با هدف حذف رقیب‌سیاسی از صحنه انتخابات شدت می‌گیرد. این رویکرد هم به ایجاد ناامیدی نسبت به خروجی دموکراسی در افکار عمو می‌منجر شده و میزان مشارکت را کاهش می‌دهد و هم از منظر تأمین منافع حزبی و گروهی کارایی نداشته و معکوس عمل می‌کند. رویکردهای تخریب‌محور رقبای سیاسی را نیز به همین مسیر واداشته و یک چرخه تقابل منفی را به‌وجود آورده که به هویت سیاسی همه گروه‌های فعال در انتخابات آسیب می‌زند.

■ **پیش‌فرض غلط رقابت در خلأ مشارکت**

بعد از آنکه تلاش‌های برخی جریان‌های سیاسی برای تداوم شورای شهر فعلی و تمهید سه‌ساله شورای ششم بدون برگزاری انتخابات به نتیجه نرسید، بسیاری از جریان‌های سیاسی و کاندیداهای بالقوه مبتنی بر این پیش‌فرض عمل می‌کنند که مشارکت عمومی در این انتخابات پایین خواهد بود و عمدتاً محدود به پایگاه‌های رای‌ی ثابت است. به همین دلیل استراتژی اصلی آن‌ها نه جذب آرا از لایه‌های خاکستری جامعه، بلکه حذف رقیبا از طریق تخریب آن‌هاست تا در یک انتخابات کم‌رونق سهم بیشتری از کرسی‌ها نصیبشان شود. برخی گروه‌های سیاسی فکر می‌کنند تنها با تکیه بر هسته سخت هوادارانش می‌تواند پیروز شود. این پیش‌فرض مندمنافع ملی چرخه منفی تقابل را تقویت کرده و فرصت ایجاد اجماع بر سر مسائل مشترک شهری را از بین می‌برد. عوامل متعددی مانند کارآمدی فعلی شوراها و شهرداری‌ها و همچنین عمومیت یافتن طرح‌های اقناع‌کننده در مورد مسائل روزمره شهری مانند ترافیک، آلودگی هوا، خدمات عمومی و پروژه‌های عمرانی می‌توانند انگیزه حضور مردم را افزایش دهند. اگر کنشگران سیاسی به جای تخریب، بر ارائه برنامه‌های عملی تمرکز کنند امکان بسجج لایه‌های گسترده‌تری از شهروندان وجود دارد. این مسئولیت به‌ویژه در شرایطی که به طور جبری انتخابات شورا از ریاست‌جمهوری منفک شده است باید بیشتر از گذشته درک شود.

■ **این چاه برای خودتان هم به آب نمی‌رسد**

جریان‌های سیاسی که وارد جنگ منفی با رقبای می‌شوند تصور می‌کنند با برجسته‌کردن ضعف‌های حریف، پایگاه خود را تقویت و شانس پیروزی را افزایش می‌دهند؛ اما در عمل این استراتژی به اعتبار همه طرف‌ها آسیب می‌زند. وقتی یکی جریان سیاسی‌سی شروع به تخریب رقیب می‌کند، درها را روی پاسخ مشابه باز می‌کند. نتیجه این مواجهه یک فضای مسموم پر از اتهام‌زنی متقابل است که در آن هیچ‌کدام از طرف‌ها نمی‌توانند تصویر روشن مورد ادعا در مورد عملکرد خود را به مردم ارائه دهند. مردم در نهایت با حجم انبوهی از اخبار منفی در مورد فساد، ناکارآمدی و سوءمدیریت مواجه می‌شوند. در میان این هیاهوی تخریبی، حتی دستاوردهای واقعی هم دیده نمی‌شود. پروژه‌های عمرانی موفق، بهبود خدمات شهری، مدیریت بحران‌ها و ابتکارات مثبت همه زیرسایه اتهامات و منفی‌بافی‌ها گم می‌شوند. مردم به جای اینکه بشوند «مادر این دوره چنین دستاوردهایی داشتیم» فقط می‌شوند «آن‌ها فاسد بودند» یا «این‌ها ناکارآمدند»، در نتیجه اعتماد عمومی به کل نهاد شورا و شهرداری خدشه‌دار می‌شود. اگر هدف واقعی یک جریان سیاسی افزایش نفوذ در مدیریت شهری است منطقی‌ترین راه‌پرهیز از تخریب و تمرکز بر ارائه کارنامه مثبت و برنامه‌های آینده است، در غیر این صورت حتی در صورت پیروزی نیز با خلأ مشروعیت مواجه شده و همراهی مردم را در اجرای سیاست‌های خود نخواهد داشت.

■ **دموکراسی را در دین‌بست فرو نبرید**

دموکراسی برای جلب اعتماد عمومی و افزایش مشارکت باید در دو بعد فرایند و فرآورده کارآمد باشد. در بعد فرایند، انتخابات باید امکان حضور طیف‌های متنوع سیاسی و چهره‌های جدید را فراهم کند. اگر فرایند به گونه‌ای طراحی شود که تصویری انحصاری و بسته از دموکراسی ارائه دهد، میل عمومی به مشارکت کاهش می‌یابد. به همین دلیل این موضوع تصویب شده که به صورت آزمایشی، انتخابات شورای شهر تهران در دوره آتی به شیوه تناسبی برگزار شده و در صورت مطلوب بودن نتایج این مدل به سایر شهرها تسری یابد؛ اما کارایی دموکراسی تنها به فرایند محدود نمی‌شود؛ فرآورده خروجی آن نیز واجد اهمیت است. اگر اصلاح‌ساختار انتخاباتی انجام شود؛ اما عدم تعامل سازنده اعضای شورا با یکدیگر و باشهردار به ناکارآمدی، نزاع بی‌حاصل و عدم حل مشکلات شهری منجر شود، اثر مثبت اصلاح فرایند خنثی خواهد شد. دموکراسی در معنایی عام، یعنی امید مردم به حل مشکلات از مسیر صندوق رأی، اگر رفتار اعضای شورا این امید را نابود کند مشارکت عمومی کاهش می‌یابد.

■ **جولوگیری از تکرار تصویر ناکارآمدی مدیریت شهری**

یکی از خطرات پیش‌روی شورای شهر ششم تهران ایجاد تصویری ناکارآمد و مشابهت‌سازی آن با وضعیتی است که در شورای شهر اول تهران رخ داد. در آن شورا اختلافات شدید داخلی میان اعضا و درگیری‌های حزبی چنان بالا گرفت که نهایتاً شورای شهر نخست قبل از پایان دوره خود منحل شد تا به این طریق در همان نخستین دوره تصویری منفی از مدل شورایی در مدیریت شهری در اذهان عمومی شکل بگیرد. در دوره‌های بعدی نیز نمونه‌هایی از ناکارآمدی دیده‌شد از جمله در شورای شهر پنجم که حواشی گسترده منجر به این شد که طی یک دوره چهارساله تهران سه شهردار به خود ببیند. این عدم‌ثبات مانع از پیشرفت پروژه‌های بلند مدت می‌شود. این تجربیات باید درس عبرتی برای ارتقا سطح کارآمدی در شورای شهر باشد؛ اما در پیش گرفتن دعوایهای جناحی نشان می‌دهد همان چرخه منفی در حال تکرار شدن است.

کنشگران سیاسی باید از چرخه تخریب فاصله گرفته و به‌سوی رقابت برنامه‌محور حرکت کنند. تمرکز بر کارنامه مثبت، ارائه راهکارهای عملی برای مسائل شهری و ایجاد اجماع بر سر اولویت‌های مشترک مشروعیت و کارآمدی مدیریت شهری را تقویت می‌کند. دموکراسی محلی وقتی شکوفا می‌شود که شهروندان احساس کنند رأی‌شان به حل واقعی مشکلات منجر خواهد شد. پرهیز از نزاع‌های جناحی و تأکید بر همکاری تنها راهی است که می‌تواند امید به صندوق رأی در انتخابات شورای شهر را در دل لایه‌های گسترده‌تر جامعه زنده سازد.